

از ایشان هیچ نمی آید

فضایی و مداحی و شاعر خوانی و ریاضی و کالیبر و کالیبر و کالیبر و کالیبر
فان الله یغنی عن الفاسق و الظالم من دعا الظالم طول البقاء
فقولوا لا یغنی فی الارض جهنم انکم لاریثان هیچ قبول نمی آید
که آنچه بنویسد به حال است زیرا که خط مال کردن سببش و دین است
از آن در اینست و محاباته و رعایت جبار ایشان و هو لغت ظلم
از ایشان و فتنه و فتنه ایشان متولد کرد و اینهمه ملک و نیست
که هر کس مضرتی که از ایشان تو کند آنست که ایشان را دوست گیری
و هر کس بی را دوست دارد و خواهد که او را از باشد و چون درازی
عمر خواهد درازی جوهر خرابی علم خسته باشد و ازین بدتریه باشد
و آن تا شیطان ترا از راه نبرد و در حال خود کند خانه که با تو کند او را
چونکه با تو کند چنانکه این رز از ایشان است نانی و در و ایشان ریائی
که باغ نوره چون تو جمع کنی در غیر صریح کنی و چون وی خرج کند در حق
و غیر خرج کند که شیطان بدین طریق خون بسیار ضایق از خیره و است
این سخن بسیار است و در احیای گفته ام از آنجا طلب میکنم انفر زندان
جبار نیز اجتناب کن این چهار چیز را کردنی است اما آنچه کردنی است آن

اما آنچه کردنی است

انچه

باید که نگه داری اول آنکه هر که معامله که میان تو و میان
خدا تعالی بشد چنان کنی که اگر گزیده در حق تو کند پس بد و در و را
داری و زنجیری و بر خوشم کنی و هر چه از بنده خویش که در حق
خویش پسندید آن که از آنجا که حقیقت است او خود بنده است
اگر چه بدام خیره است باید که از خویش تن در بندگی خدا تعالی پسند
بماند بنده حقیقی او را و در آنکه هر معامله که میان تو و میان خلق
باشد چنان کنی که اگر ایشان با تو کنند پس بد و در و داری و
از آن برنجی طایمیل ایان عبدی چندی پس از آنست که ای کفایت
ست بوم آنکه چون مطالعه علی کنی و علی خوانی باید که علم را شده که مثل
بدانی که عمر تو خود از یک هفته پیش تا نماند است بدان مشغول کردی و
این معلوم است که اگر تو بدانی که عمر تو پیش از یک هفته نماند است بعلی
خلایقی و اصول و کلام و مذاهب و لغت و نحو و تفسیر و اشعار
و در و این و عروضی و طب و نجوم و ترسل مشغول کردی زیرا که
دانی که این علمها بفرماید تو نخواهد رسیدن در آن بفرماید که هر آنچه
دل و معرفت صفات خود مشغول کردی و بر این علایق دنیا را احاطه